

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۴ فبروری ۲۰۲۲



یونس نگاه

راضیه بارکزی:

"بیانیم علیه این ظلم و بربریت ایستادگی کنیم"



توضیح عکس: آن خانمی که چادر سمرنگ به سر دارد و قلم در دست، راضیه بارکزی، مدافع افغانستان دمکرات در آن مناظره بود.

یادآوری: در برنامه صفحه دوی بی بی سی، سه خانم شرکت کرده بودند. خانم راضیه بارکزی فعال حقوق زن و عضو جنبش زنان و دختران معترض از کابل، نازیلا جمشیدی فعال حقوق بشر و عدالت اجتماعی از نیویارک، و دیوه پتنگ فعال اقتصادی و کارمند پیشین سفارت افغانستان در لندن.

به صفت فعال اقتصادی در معرفی خانم پنتنگ توجه کنید. او را بی‌بی‌سی فعال اقتصادی خواند نه اقتصاددان، فعال سیاسی، نویسنده، خبرنگار، تحلیل‌گر یا جامعه‌شناس. کارمند سابق سفارت هم بوده است. او تاجر است و از آن تاجران که منافع اقتصادی‌اش را از مجرای دولت و سازش با صاحبان قدرت تعقیب می‌کنند. او از موضع یک فعال اقتصادی {پروژه خوا} از طالبان دفاع کرد. در مقابلش خانم راضیه بارکزی بود، فعال حقوق زنان و عضو جنبش اعتراضی زنان، که با زبان روشن از حق مردمش دفاع کرد. خانم جمشیدی نیز موضع خوب داشت، ولی مناظره اصلی بین پنتنگ و بارکزی جریان داشت.

من به احترام خانم بارکزی و زنان مبارز افغانستان سخنان روشن‌گر او را رونویس کرده‌ام تا این‌جا در اختیار کسانی بگذارم که فرصت تماشای ویدیو را نداشتند یا مثل من از خواندن متن بیشتر از تماشای ویدیو به‌کُنه مطالب پی‌می‌برند و وقتی متن را با صدای ذهن خود می‌خوانند به نکات ریز متوجه می‌شوند؛ چون فرصت دقت بیشتر، توقف، مقایسه، تکرار و بازخوانی را دارند.

سخنان خانم بارکزی را به‌خاطر درک ذهنیت هموطنان‌تان که در صف اول مبارزه با طالبان قرار دارند، بشنوید و بخوانید. توجه کنید که این زنان از سواد و آگاهی خوب برخوردارند. آنان قوی و بامنطق‌اند، سیاست را می‌دانند و از جامعه خود شناخت دارند. این امیدوار کننده است. باید از داشتن چنین هموطنانی احساس قدرت کنیم.

سخنان خانم راضیه بارکزی:

(۱)

اول این‌که طالب دختران را دستگیر کند، چیزی نبود که انتظارش را نداشته باشیم. ولی این که با جبر و ظلم از چیزی که واقعیت ندارد علیه آنان {دختران از خودشان} اقرار بگیرد، تأسفبار بود و نشان داد که طالب چقدر می‌تواند اصول‌شکن باشد و چقدر می‌تواند منفعت‌گرا باشد و از هر چیزی برای کسب مشروعیت خود استفاده کند. یا برای آن‌که اذهان عمومی را در برابر مبارزات زنان تغییر بدهند، {طالبان} می‌توانند هر اصولی را بشکنند.

(۲)

در پاسخ به سخنان خانم پنتنگ می‌خواهم به چند مسأله اشاره کنم.

خانم پنتنگ گفتند که خانم‌ها خودشان آمدند گفتند {اشاره به ویدیوی اعتراف جبری زنان که از سوی طالبان نشر شده است}. نخیر خانم‌ها خودشان نیامدند، خانم‌ها را به‌گروگان گرفتند، به اسارت گرفتند و این چیزی را که خانم‌ها گفتند همه می‌فهمند {که به جبر از آنان اقرار گرفته شده است}. آدم اگر بخواهد منطقی به آن تصویری که نشر شده نگاه کند براحتی قابل فهم است که این سناریوی نوشته‌شده توسط طالب است که دختران مبارز ما از ترس روخوانی می‌کنند.

مسأله دیگری که می‌خواهم {از خانم پنتنگ} پرسان کنم {این است} که فلسفه شما از موقفی که فعلاً در قبال طالبان دارید، و یا جهتی که شما پشت گشتانید به مردم افغانستان، به دمکراسی، به ارزش‌های ملی ما چی است؟ مگر ما تاریخ و فلسفه طالب را نمی‌دانیم؟ مگر ما حکومت پنج‌ساله طالب را قبلاً تجربه نکردیم؟ مگر ما ایدیولوژی را که طالب بر روی آن بنا نهاده شده، گروه طالب بر روی آن استوار است، ندیدیم؟ مگر ما عملکرد طالبانی را در اوایل قدرت‌گیری این‌ها در کابل و سایر ولایات ندیدیم که ما بخواهیم سکوت کنیم و فرصتی بدهیم؟ اگر فرصتی بدهیم به این معناست که برای طالب مشروعیت داده‌ایم. نخیر طالب مشروعیت ملی ندارد. نخیر طالب قابل قبول برای مردم افغانستان نیست. نخیر برای طالب فرصت نباید داده شود. و این ظلم و جفا به مردم افغانستان است که اگر حتی یک

روز برای طالب فرصت داده شود. طالب فلسفه و ایدیولوژی‌اش برای همه مردم و جهان معلوم است {و همه می‌دانند} که طالب کیست و به دنبال چیست در افغانستان.

می‌ماند این‌که {خانم پنتنگ گفتند} دختران {چرا} فریاد می‌زنند. روش مبارزه فریاد زدن است. فکر می‌کنید ما پشت میزهای مذاکره نشسته بودیم که فریاد نمی‌زدیم؟ دختران زمانی شروع به داد و فریاد کردند که بر فرق آنان شلاق طالب اصابت می‌کرد؛ زمانی بود که تمام دختران با شلاق، با دنده برقی و با قنداق تفنگ و با گاز اشک‌آور و هزار "بلا و بتر" [گوش کابلی "بدتر"] از طرف طالب مورد شکنجه و تهدید قرار گرفته بودند. انسان هستند. مهم‌تر از همه این‌که در افغانستان چیزی به نام آزادی و برابری بشری زیر سؤال رفته بود و از بین رفته بود. به این مناسبت، فرهنگ اعتراض این است که باید فریاد کشید. اعتراض و مذاکره بسیار تفاوت دارد. ما با طالب نه مذاکره کرده‌ایم و نه حاضر به قبول روی‌کرد طالب هستیم.

بحث اجازه دولت {خانم پنتنگ گفت زنان باید از دولت برای تظاهرات اجازه بگیرند و فریاد نزنند}. چیزی به نام دولت در افغانستان نیست که ما از او اجازه بگیریم. اگر شما مطالعه داشته باشید، عناصر یک دولت مردمی را می‌فهمید که چه زمان یک قدرت را در یک جغرافیا می‌توان دولت گفت و هر گروهک نظامی را که از راه زور و ظلم و انفجار و انتحار در جغرافیائی احراز قدرت کند، ما نمی‌توانیم آن را حکومت بگوئیم. فرض می‌کنیم که ما می‌رفتم اجازه می‌گرفتیم، آیا خودشان {خانم پنتنگ} به این باور هستند که گروه طالبان به ما اجازه می‌داد که علیه‌شان اعتراض داشته باشیم. مسلماً که نخیر. ما این راه را امتحان کردیم، بی‌نتیجه بود.

(۳)

خانم پنتنگ در طول صحبت‌های خود روی این مسأله تمرکز داشتند که مبارزات از غرب و شرق هدایت می‌شود. من اولین کسی بودم که علیه طالب یک روز بعد از آمدن‌شان به کابل مظاهره راه انداختم. نخیر مظاهرات خانم‌ها از طرف غرب و شرق هدایت و دیکته نمی‌شود. بلکه خانم‌های افغانستان به آن شعور و کمال آزادی رسیده‌اند که خودشان آزادی و وجود خود را تعریف کنند و به اساس آن به‌خاطر ارزش‌های خود مبارزه کنند. خانم‌هایی که در اروپا و هر جای دنیا بوده‌اند (خانم‌های افغان)، خود ما صدا کرده‌ایم بالای‌شان که تمام دنیا را افغانستان بسازید، تمام دنیا را کابل بسازید، و بیائیم علیه این ظلم و بربریت ایستادگی کنیم.

این‌که شما مبارزه زنان را محدود بسازید به این‌که گویا از طرف غرب دیکته می‌شده، موفق نمی‌شوید. از شما می‌خواهیم {ازین تلاش‌تان} صرف‌نظر کنید.

این‌که شما {خانم پنتنگ} می‌گوئید از طریق قانون {حق خود را} بخواهیم. از طریق کدام قانون بخواهیم؟ طالبی که قانون اساسی را قبول ندارد، طالبی که جمهوریت را قبول ندارد، طالبی که مردم را قبول ندارد، طالبی که به‌جز زور و به‌جز ظلم هیچ چیز دیگری در قاموس‌شان وجود ندارد، ما از چه طریقی بیائیم {با طالبان} مذاکره کنیم. باز هم تأکید می‌کنم که ما خواسته بودیم {مذاکره کنیم} ولی جواب رد شنیدیم. تأکید می‌کنم که طالب عناصر یک دولت را ندارد و نباید دولت خطاب شود. مشروعیت ملی ندارد و نباید دولت خطاب شود.

تخریب دولت {گفتند خانم پنتنگ}. اصلاً دولتی وجود ندارد. اگر شما بگوئید تخریب یک گروه تروریستی به نام طالب، که به‌زور ظلم و به‌زور معامله {به‌قدرت رسیده مسأله جداسست}. ها، این مسأله به طالب صدق می‌کند که طالب با شرق و غرب معامله کرد تا این‌که خود را به افغانستان رساند. خانم پنتنگ گفتند من‌حیث یک خواهر در کنار شما هستم، من می‌خواهم پیشنهاد کنم که با همان آزادی‌هایی که در زمان جمهوریت خودت داشتی، با همان آزادی‌هایی که فعلاً داری، با همان روش و آزادی‌ها بیا در افغانستان، و از همان گروهی که خودت دولت خطاب‌شان می‌کنی، ببین که پذیرنده

خودت در افغانستان هست یا نه. اگر با همان آزادی‌ها و روشی که خودت {زندگی می‌کنی، طالب} پذیرنده تو بود {ما هم چیز دیگری نمی‌خواهیم}. خوب، خودت حتماً به مردم‌سالاری باور داری، به آزادی‌های فردی باور داری و به دمکراسی باور داری، ما همه شما را دیده‌ایم. اگر باور داری، بیا به افغانستان و اگر پذیرنده شما باشند، خوب ما هم مسلماً نه بیشتر از شما ادعای آزادی داشته‌ایم، و نه هم ما بیشتر از شما تجربه آزادی آن‌چنانی را داشته‌ایم.

تبصره پایانی من یونس نگاه: از شنیدن سخنان خانم پتنگ ناامید نشوید. در برابر یک فرد مصلحت‌جو و منفعت‌طلبی چون او در بحث دو زن مدافع آزادی قرار داشتند، در برابر هر طالب صدها وطندار دارید که زندگی سرافراز و آزاد می‌خواهند. موج تحولات ازین جهت تاریک به سمت روشنائی تغییر خواهد خورد.